



بسم الله الرحمن الرحيم

... « پس شیطان، آدم و زوج او را با وسوسه بر آنها و خوردن از شجره، از بهشت و از آنچه در آن بودند بیرون آورد، و به آنها گفتیم از این مقام فرود آید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر هستید، و برای شما در زمین تا وقتی معین استقرار و متاعی خواهد بود. پس در این هنگام آدم از پروردگارش کلماتی تلقی نمود که در نتیجه آن خدا بر او عطف نظر نمود و او توبه کرد و توبه اش مورد قبول خدا شد که خدا صاحب عطف و توبه پذیر و دارای رحمت است. گفتیم به آنها که همه از این مقام فرود آید و هدایتی از جانب من بسوی شما می آید که راه بازگشت را به شما نشان خواهد داد و کسانی که از هدایت من تبعیت کنند، خوف و اندوهی برای آنان نخواهد بود و آنان که کفر ورزیده و آیات هدایت ما را تکذیب کنند، آنها اصحاب آتش بوده و برای همیشه در آن خواهند بود.»
(ترجمه آیات 36 تا 39 سوره مبارکه بقره)

تأمل در این آیات و اشارات بیانگر یک جریان تکوینی است و این حقیقت را روشن می کند که در اثنای هبوط انسان از جوار قرب حق بسوی دنیا، عنایتی از جانب خدای متعال شده و فرصتی عطا گردیده و باب بازگشت باز گذاشته شده و راه آن نیز ارائه گشته است تا هر که خواهد از این فرصت استفاده نموده و از طریقی که در اختیار اوست به آنچه از دست داده و بلکه به بالاتر از آن نیز نایل آید، و در بیانی دیگر، یوسف انسان در چاه ظلمانی ماده بلحاظ لغزشی که پیش آمده، افتاده و محبوس گشته و در این بین، فرصتی بسیار محدود در اختیار او قرار داده شده و ریسمانی از بالا بسوی او در چاه آمده است تا فرصت تمام نشده دست به آن ریسمان زند و نجات یابد. این وقت و فرصت، برای اینست و بس.

یوسفا آمد رَسَن در زن تودست از رَسَن غافل مشو بیگه شده است

حمدُ کاین رَسَن آویختند فضل و رحمت را بهم آمیختند

در رَسَن زن دست و بیرون رو زچاه تا بینی بارگاه پادشاه

تا بینی عالم جان جدید عالمی بس آشکار و ناپدید

این جهان نیست جون هستان شده و آن جهان هست بس پنهان شده

(دفتر دوم مثنوی)

از بیانات آیت اعلیٰ استاد محمد شجاعی مدظله العالی 1368